

## روسیه و ایران در بازی بزرگ: سفرنامه‌ها و خاورشناسی<sup>۱</sup>

کتاب روسیه و ایران در بازی بزرگ: خاورشناسی و سفرنامه‌ها نوشته النا اندریووا<sup>۲</sup> دانشیار موسسه نظامی ویرجینیا در رشته تاریخ، که در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسیده است اولین کتابی می‌باشد که به تحلیل دوپست سفرنامه‌ای می‌پردازد که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در رابطه با ایران منتشر شده است و دریچه‌ای منحصر به فرد را در رابطه با تاریخ قاجار در ایران می‌گشاید. این سفرنامه‌ها صرف نظر از چند مورد انگشت شمار، عمدتاً به زبان روسی نگاشته شده و علی‌رغم آنکه منبع ارزنده‌ای در خصوص تاریخ قاجار در ایران به شمار می‌رود، اغلب مورد بی‌اعتنایی محققان ایرانی، روس و غربی واقع شده است. سفرنامه‌های مذکور حاوی اطلاعات غنی و پربراری در خصوص جوانب گوناگون زندگی ایرانیان شامل توصیف شهرها و خانه‌ها، زندگی روزانه و سنت‌های قبایل و گروه‌های مختلف مذهبی و اجتماعی، روابط خانوادگی و موقعیت زنان، اسلام و شعائر مذهب شیعه است. این سفرنامه‌ها اغلب دارای لطایف و داستان‌های خنده‌دار و همچنین نقشه، نمودار و عکس هستند. اکثر این سفرنامه‌ها را افسران نظامی روس و دیپلمات‌هایی نوشته‌اند که نقش فعالانه‌ای در کشمکش بین روسیه و بریتانیا برای حکمرانی بر شرق که از آن تحت عنوان بازی بزرگ یاد می‌شود برعهده داشتند.

در کتاب مزبور به انتشار مقاله‌هایی در خصوص خاورشناسی روسیه و سفر اتباع روس به ایران پرداخته نیز شده است. این کتاب سفرنامه‌های نگاشته شده در مورد ایران را از دو منظر مورد بررسی قرار می‌دهد: اول اطلاعاتی که نویسندگان این سفرنامه‌ها در خصوص ایران و ایرانیان ارائه می‌دهند و دوم حقایقی که در خصوص روس‌ها و هویت ملی روسیه آشکار می‌سازند.

---

1. Russia and Iran in the Great Game: Travelogues and Orientalism

2. Elena Andreeva

### فهرست عناوین این کتاب عبارت است از:

خاورشناسی روسیه، مروری بر سفرنامه‌های روسی و نویسندگان آنها، ماموریت مسافران روس در ایران، ایران و مردمان آن از نگاه مسافران روس، آموزش، فرهنگ و جامعه ایران، اسلام از نگاه مسافران روس، جنسیت و قومیت، روس‌ها از منظر ایرانیان.

النا اندریوا هدف خود از انتشار این کتاب را معرفی آن دسته از سفرنامه‌های روسی بر می‌شمارد، که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم درباره ایران نوشته شده و یک منبع اطلاعاتی بهره‌برداری نشده از تاریخ ایران در این دوره به شمار می‌رود. در این کتاب سعی شده است با مدد از سفرنامه‌هایی که اتباع روس در سفر خود به ایران در عصر قاجار نگاشته‌اند، تصویری از تاریخ ایران در عصر پادشاهان قجری و روابط این کشور با امپراطوری‌های بریتانیا و روسیه ارائه گردد. این سفرنامه‌ها به غیر از دو مورد، تمامی توسط مردانی که به منظور انجام مأموریت‌های مختلف دولتی به ایران سفر کرده‌اند به رشته تحریر در آمده است. در بین آنان چندین نفر کارشناس مسائل خاورمیانه، دانشمند و نویسنده نیز به چشم می‌خورد.

مهم‌ترین ویژگی سفرنامه‌های معرفی شده در این کتاب، آن است که اگرچه مغرضانه اما از منظری نو، به تاریخ قاجار در ایران پرداخته‌اند. تنها برخی از این سفرنامه‌ها از نوشتار خوبی برخوردار بوده و دارای توصیفات روشن و واضح، جزئیات جالب و مشاهدات منحصر به فرد است. درحالی که مابقی یکنواخت و سرشار از خودستایی است. در این کتاب، سفرنامه‌هایی که دارای بیشترین روشنگری بوده است انتخاب شده تا تعادل میان مشخصه‌های فردی و عام حفظ شود.

در این مجال، به ذکر مطالب مختصری در شرح فهرست عناوین کتاب یاد شده می‌پردازیم:

در این کتاب اینگونه می‌خوانیم که: در حقیقت قاجار تحت سلطه استعمار روسیه و بریتانیا قرار داشت اما در عین حال، قادر به حفظ استقلال و تمامیت کشور بود. در این دوره اولین قانون اساسی تصویب و اولین مجلس تشکیل گردید و نوگرایی آغاز شد. در این عصر تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چشمگیری اتفاق افتاد.

نویسندگان سفرنامه‌ها در خلال گزارش‌های خود در حقیقت اطلاعات بسیاری را نیز در مورد خویش فاش ساخته‌اند و تصویری که از ایرانیان از یک سو و از بریتانیایی‌های حاضر در ایران از دیگر سو ترسیم کرده‌اند به اندازه اطلاعاتی که در خصوص ایران ارائه کرده‌اند حائز اهمیت است. آنچه تحت عنوان خاورشناسی روسیه در این کتاب معرفی می‌شود مجموعه‌ای از پیش داوری‌ها و اطلاعات پیش پنداشته در مورد مردم مشرق زمین و شیوه‌های مستعمراتی زاینده آنها است. به طور کلی حاصل تفاوت‌هایی که در برداشت روسیه و اروپای غربی نسبت به شرق وجود دارد هویت ملی ویژه روسیه را شکل می‌دهد که عناصر غربی و شرقی را با یکدیگر تلفیق می‌کند. در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم تحول تاریخی و موقعیت جغرافیایی روسیه، بحرانی را در هویت ملی آن به وجود آورد که خود را به شکل شکافی بین مفاهیم طرفدار غرب و طرفدار شرق نشان داد.

نفوذ بیژانتیسم به خصوص به واسطه پذیرش مسیحیت شرقی در پایان قرن دهم، پیروزی مغول و آغاز عواقب آن در قرن سیزدهم و اصلاحات پترکبیر در راستا ترویج راه و رسم غرب در بیست و پنج سال اول قرن هجدهم، مهم‌ترین تحولات تاریخ روسیه است که هویت ملی آن را متأثر نمود. در نتیجه، عوامل مؤثر آسیایی و غربی در تاریخ و فرهنگ روسیه نفوذ کرد و منجر به بحران دردناکی در هویت ملی این کشور شد که نقطه اوج آن در قرن نوزدهم بود.

موقعیت جغرافیایی، روابط دیپلماتیک و اقتصادی، نظام آموزشی، مذهب مسیحیت، خویشی دودمانی، استعمار شرق و تمدن سازی در آنجا، همه به این امر اشاره دارد که روسیه بخشی از اروپا است. اما سلطنت مطلقه، فقدان قانون اساسی و پارلمان تا اوایل قرن بیستم، عدم وجود آزادی و حقوق مدنی ابتدایی و توسعه نظام سرمایه داری به خصوص در بخش کشاورزی، منطقاً روسیه را در بین کشورهای بلوک شرق قرار داد.

این دوگانگی در هویت ملی روسیه پیامدهای متعددی را در برداشت که حادترین آن یعنی حس آشکار حقارت، در سفرنامه‌هایی که اتباع روس درباره ایران نوشته‌اند بارز است. نویسندگان سفرنامه‌ها در سفر به خارج از کشور می‌کوشند هر گونه حس حقارتی را با تلاش در اثبات برابری با اروپای غربی به ویژه بریتانیا، پنهان کنند. در این راستا به اروپایی بودن خود بیش از حد تاکید داشته و معمولاً خود را به جای روس، اروپایی خطاب می‌کنند. هر چیزی را که در ایران مشاهده و تجربه می‌کنند با نوع اروپایی آن مقایسه کرده و اغلب به

چشم و گوش اروپایی خود اشاره می‌کنند. پافشاری بیش از حد در هواخواهی از دین مسیحیت نیز در همین رابطه است. مسیحیت به نشانه مخالفت با مذهب ارتودکس و پیوند با اروپای غربی متضمن حس برتری و امنیت برای آنها است.

فعالیت‌ها و طرح‌های استعمارگرانه روسیه در ایران که به بازی بزرگ یا کشمکش بین روسیه و بریتانیا برای حکمرانی بر شرق معروف شد در اوایل قرن نوزدهم آغاز شد و در نیمه دوم این قرن، زمانی که توسعه روسیه به آسیای مرکزی و قفقاز، زنگ خطر را برای بریتانیای کبیر به صدا درآورد، شدت یافت. در این زمان، روسیه که از کشورهای قدرتمند اروپای غربی عقب مانده بود و کمتر یارای رقابت با سیاست‌های آنها را داشت، تلاش کرد رقیب خود را در آسیا به چالش کشد و ایران، هدف این مبارزه امپراطوری قرار گرفت. مقاومت در برابر فشاری که روسیه و بریتانیا توأمان بر سیاست و اقتصاد ایران وارد می‌کردند توان‌کاه و تقریباً غیرممکن بود و بر تاریخ قاجار تأثیر عمده‌ای گذاشت.

تا کنون، بازی بزرگ، عمدتاً از سوی بریتانیایی‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است و سفرنامه‌های بریتانیایی نوشته شده در مورد ایران، نقش مهمی را در این جد و جهد ایفاء کرده است. در حقیقت، نوشتن سفرنامه را می‌توان زمینه رقابت بیشتر بین روسیه و بریتانیا دانست. به همین شکل، سفرنامه‌های روسی نیز فرصتی منحصر به فرد را جهت تحلیل بازی بزرگ از منظر روس‌ها فراهم می‌کند چرا که اکثر مسافران روس در ایران در خدمت دستگاه دیپلماسی یا ارتش بودند و عوامل مستقیم اجرای سیاست‌های استعمارگرانه روسیه در ایران به شمار می‌رفتند.

نویسندگان روس این سفرنامه‌ها به شدت ایرانیان را تحقیر کرده و بسیاری از آنان تمام جوانب زندگی در ایران شامل آداب و رسوم، عادات و خلیقیات مردم، مذهب، فرهنگ، آموزش و حتی هنر ایرانیان را مورد تمسخر و انتقاد قرار داده‌اند. حتی در مواردی که ناگزیر از بیان نکته مثبتی در مورد ایران یا ایرانیان بوده‌اند از آن به عنوان استثناء نام برده‌اند. در حقیقت بسیاری از اتهامات و انتقادات روس‌ها مضحک است چرا که به نظر می‌رسد وجود بسیاری از مشکلات مشابه را در مملکت خود فراموش کرده‌اند. همچنین نباید فراموش کرد که به غیر از چند مورد استثناء، نویسندگان این سفرنامه‌ها به زبان فارسی آشنایی نداشته و در صورت امکان از مترجم و در سایر موارد از تصورات خود کمک می‌گرفتند.

اقامت نسبتاً کوتاه مدت در ایران، فرصت آشنایی عمیق با فرهنگ ایرانیان را به آنان نمی‌داد و طبیعتاً در بسیاری موارد مشاهدات آنها سطحی و کم مایه است.

اسلام، یکی از موضوعاتی است که به وفور در این سفرنامه‌ها به آن پرداخته شده است. معمولاً نویسندگان این سفرنامه‌ها نسبت به اعتقادات مسلمانان بی‌اعتنا اما در مورد اسلام، خانواده‌های مسلمان، شعائر مذهب شیعه و تصوف کنجکاو هستند.

موضوع دیگری که با حرارت در این سفرنامه‌ها محکوم شده است موقعیت زنان در ایران است. از آنجا که غربی‌ها، زنان شرقی را نمایانگر مشرق زمین می‌دانند تمایل دارند آنها را مطیع و فرمانبردار، ضعیف و بی‌اساس و تحت سلطه قدرت مردانه غرب بنگرند. حجاب زنان ایرانی که مانع مهار آنها و به تبع آن مشرق زمین است موجب آزار نویسندگان این سفرنامه‌ها است.

ارتش از دیگر موضوعاتی است که نویسندگان سفرنامه‌ها توجه خاصی به آن مبذول داشته‌اند. گزارش‌هایی که پس از بازدید از رژه‌ها و مشق‌های نظامی، زرادخانه‌ها و اردوگاه‌های نظامی ارائه شده است بیانگر شرایط نامطلوب در ارتش شاه و فقدان نظم، آموزش و تجهیزات کارآمد بوده است.

اقوام و گروه‌های نژادی نظیر کرد، ترکمن، بلوچ و سبک زندگی مردسالارانه، توانمندی‌های جنگجویی، و استقلال آنان، همچنین نوع زندگی اقلیت‌های مذهبی مانند زرتشتیان، آرامنه و مسلمانان اهل تسنن از موارد ذکر شده در این سفرنامه‌ها است. جانبداری از مردم غیرمسلمان، واکنش مستعمراتی در برابر تهدید اسلام و بازتاب سیاست واقعی افسران استعماری روس بود که تلاش می‌کردند حمایت اقلیت‌های قومی و مذهبی را در مقابل اکثریت مسلمانان شیعه ایران به دست آورند تا با تلاشی آنها بر آنان حکمرانی کنند. پیامدهای مخرب ترویج تجزیه مذهبی، قومی و منطقه‌ای در ایجاد مشکلات آتی نقشی ایفا کرد که اثرات سوء آن تا کنون ادامه دارد.

به طور خلاصه تصویری که یک قدرت اروپایی از شرق به عنوان زیردست، ناتوان در به عهده گرفتن زمام امور کشور خود، عقب مانده و نیازمند به متمدن شدن نشان می‌دهد توجیهی به منظور مستعمره‌سازی و حکمرانی بر مردم، منابع و قلمرو یک کشور دیگر و مداخله در امور داخلی آن است. خاورشناسی متفاوت روسیه گر چه در موارد بسیاری مشابه خاورشناسی اروپای غربی است اما دارای جوانب خاصی است که می‌توان آن را نسخه اغراق

شده‌ای از خاورشناسی اروپای غربی دانست. بنابر این در این کتاب دو موضوع اصلی را باید مورد توجه قرار داد: اول سفرنامه های روسی نوشته شده در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و اطلاعاتی که در مورد ایران و برخی موضوعات مرتبط ارائه می‌دهند و دوم سفرنامه‌های روسی به عنوان منبع مطالعه خاورشناسی روسیه. در حقیقت این سفرنامه‌ها بستر مناسبی را برای مطالعه بیشتر در خصوص خاورشناسی روسیه که حوزه آن بسیار وسیع تر از سفرنامه‌های روسی نوشته شده در مورد ایران است، فراهم می‌سازند.

**معصومه ظفرمند**



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی